

محرمانه

در نجف اشرف بتوسط آقای میرزا عبد الرسول یزدی
خدمت ری شرافت حضرت حجة الله آقای ملا محمد کاظم خراسانی
سرف افتتاح واقفان پایه

The Ghani Collection at Yale

عریضه

۲۷ جمادی الاول سنه ۱۳۲۹ از دارالافتاء بمبئی در سالک مسدود
انگلستان عرض شد

حجت الاسلام
عریضه که بجهت اظهار بعضی ملاحظات در حق سیاست دولتی انگلیس
و روس نسبت بایران بسر افزای این کمینه خیر خواه ایران مرقوم فرموده بودند
و وصول آنرا بقا عبدالرسول یزدی نوشتیم ولی چون نمی خواستیم بجهت مزایم
اوقات نجسه آن بزرگوار گردد لهذا تن زده سکوت ورزیدیم تا این اتمام که
بزیارت رفیقه دیگر از آن جناب کسب شرف و افتخار نمودیم و چون در آن فرموده
بودند که گاه گاهی عریضه بنویسیم لهذا امتثالاً لامرکم العالی بتسطیر این
کلمات ببارت نمودیم، اولاً بر خود واجب می دانم که آنحضرت را تهنیت بکنم
از حسن تدبیری که بی شک و شبهه باعث نجات فارس و طرف جنوبی ایران
از مداخله اجانب شد چرا که بعد از آن تهدیدنامه خاطر پریش سه ماه
نه بلکه هفت ماه سرور کرد و باعث رف همه حال اغتشاش که بر فارس
خصوصاً و بر سایر ولایتهای جنوبی عموماً غالب بود خیلی زایل شد و نسبت
امنیت و آرام حاصل شد و سخن مداخله قطع گردید، دیگر اقداماتی که آن
حضرت و سایر علماء کبار فرموده بودند سبب شد که جمیع مسلمانان و خصوصاً
مسلمانان هند در مقام شکایت و دادخواهی برآمدند حتی در خود لندن
و معلوم همه شد که بقول شیخ سعدی -

چو عضوی بدرد آورد روزگار، دگر عضوهارا نماند قرار،

و چون حکومت اینجا خیلی طالب محبت و میل مسلمانان هندوستان است این
هم سبب شد که از خیال اول خودشان برگشتند، ولی با وجود این ترقی
بهیچ وجه غفلت نباید ورزید که از قراریکه مسافری و مخبرین خبر میدهند
مناسبات فیما بین قبایل جنوب خصوصاً فیما بین پنجتاریها و قاشقانیها
خوب نیست و خصومتی و رقابتی که اینها باهم دارند دارای خطر عظیم است
از برای مصالح دولت علیه ایران و بقول تقریر رسمی که درین این اواخر
از طرف حکومت انگلیس چاپ و منتشر گردید و محض اطلاع ساکنین آن سخن
اقدس نسخه از آن بعنوان آقا عبدالرسول یزدی فرستاده خواهد شد قبیله که
بیش از همه غارتگر و فتنه انگیزست قبیله کوه گیلویه است خصوصاً شعبه

از آن که به اجازت رسید و بر واضح است که هرگاه قوافل تجار غارت
 شود خصوصاً اگر آدم هم کشته بشود تجار داد و فریاد میزنند و شکایت پیش
 حکومت می برند و طالب مداخله میگردند ولی اگر چنین بهانه نباشد
 نمی توانند بهانه از برای مداخله پیدا بکنند و بنظر بنده خود حکومت
 اینجا چون مشغول اصلاحات داخلی است نمی خواهد متعرض چنین کاری
 بر خطری بشود مگر آنکه المحاج تجار او را مجبور بکند اگر چه همیشه اشخاص
 مقتدری هستند که محض اغراض شخصی و حب جاه و مال و قوت و شهرت
 مثل چنگیز خان و تیمور و سایر سلاطین قهرمان طالب استیلا و تعرض
 میباشند و متصل بی بهانه میگردند چنانچه سبب اصلی در استیلا
 مغولها و تاتارها بر ایران در قرن هفتم که آن هم نمرات و خیمه بر آن
 مترتب گردید کشته شدن بعض تجار مغول بدست خوارزمشاه بود، پس خیلی
 لازم است چنانچه قبائل ایران چنین بهانه بدست اجانب ندهند و بفهمند
 که در صورتیکه قطع الطریق و زدنی همیشه مذموم و قبیح است در چنین
 موقع نازکی که ایران افتاده است نوعی از خیانت بوطن باشد، حالا که
 معلوم و مبرهن شد که کلام حضرات آیات الله چه نفوذی دارد حتی در
 قلوب این قبائل متهور خودسر امید خنان است که بهم و جبهی از وجوه
 از بی کلام خیر انجام نماند نباشند و متصل بنصیحت این ایلات اشتغال
 فرمایند تا کم کم بفهمند که قوتشان و ناموسشان در اتحاد و انقیادست
 نه در مردم آزاری و افساد،

درین روزها چندتا کاغذ از ایران چه از ایرانیها چه از انگلیسیها رسید
 است و یک مسافری امروز از تبریز آمد یک مژده که آورد این بود که عدد قشون
 روس در تبریز تقلیل شده است حتی گفت که اگر چه حسابی درست نمکی نیست بخنال
 خودش بیشتر از سیصد یا چهار صد سرباز روس در آنجا نمانده است و دیگر گفت
 که عمارت هائی که در قزوین از برای خودشان ساخته بودند آنها را تخریب کرده چوبهارا
 و سنگهارا فروخته اند، از فراریکه هم می نویسند والا حضرت نائب السلطنه
 با کمال حکمت و مدارا رفتار می کند ولی یکی از مخبرین انگلیسی که خیلی ایران دوست
 است و خوب بر بواطن امور واقف است خیلی اظهار تأسف می کند که اشخاصی
 مستعد و وطن پرست و عاقل و محرب که اگر عیبی دارند منحصرت بتندر و
 که آن هم از کثرت حب الوطن و تنفر از مدارا با اهل ظلم ناشی است خارج

از کار باشند خصوصاً جناب میرزا حسین علی خان نواب...
 امور خارجه بود تا بواسطه مقاومت با روسها و شجاعتی که در بروی آنها
 تجویح داده بود آخر مجبور شد استعفا بکند و مخبر روزنامه تمس محرمانه
 بخلع نوشته بود که در شجاعت و همت و کارگتی و درست گوئی و درست
 کاری عدیم المثال بود ، حیف که چنین شخصی از اجزاء حکومت نباشد ولی
 مطمح بغض و استکراه دولت شمالی گردید و اینها در زوال او کوشیدند ،
 عرضی دیگر که اگر جبارت نباشد میخواستم عرض بکنم اینست که درین اواخر
 دو کاغذ داشتم از آقای سید حسن تقی زاده که حالا در اسلامبول منزوی بل
 منفی است و چون در مدتی که اینجا بود خیلی آشنا بودیم و کمال صدق و درست
 کاری او را بپراهمین قاطعه و دلایل باطعه ثابت کردم و بعد مسموع شد که قدری
 تندروی می کند حتی در افواه افتاد که تکفیر شده است اگرچه بعد معلوم شد که
 این خبر اصلی ندارد باری محض آن دوستی که در میان بود باینان نوشتیم که
 تندروی نکنند و خصوصاً بعد در محضر آیات الله را تقویت بنمایند
 که امید ایران بل امید اسلام در اینان مرکوز است و این همه فدا کاریها
 در راه حب الوطن کرده اند چنانچه همه چه در ایران چه خارج از ایران می دانند
 در جواب نوشتند که - " در اطاعت و اجابت هر نوع نصیحت خالصانه عالی
 با جان و دل حاضریم و مستعدیم که مثل یک معلم شفیع آنچه بخاطر
 شریف میرسد بدون هیچ ملاحظه بخلع بنویسید که خدا شاهد است که با
 کمال خلوص از آنها استفاده می کنیم و باز خدا شاهد است که هیچ گناهی
 عمداً نکرده ایم و اگر خطائی از من سر زده که خود با همه نوع دقت ملتفت
 نشد و نمی شوم خلوص نیت خود را که فقط دارائی من در عالم است کفاره
 آن قرار میدهم و از خداوند میخواهم که مصائب ایران را کم کرده بر بلا یای
 شخصی من بیفزاید و با بد بختی ابدی من نجات ایران را فراهم نماید -"
 انتهی کلامه ، حالا شخص که اینقدر جویای بهبودی وطن خود باشد ولو
 خودش در میان هلاک و مضحک شود آیا جای افسوس نیست که چنین در گوشه
 عزلت افتاده باشد ؟

امتب چون خیلی دیر شده است بیس ازین رحمت نمی دهم ، همیشه منتظر
 فرمایشات و دعاگوی دوام بقای شریف آن وجود مسعود بوده وهستم
 کمترین خیر فراهان ایران
 ادوارد بروون انگلیسی

Edward G. Browne. Pembroke College, Cambridge, England.
 (May 27, 1911) -